

## نکاتی نو درباره حفاری مارلیک (چراغعلی تپه) آرامگاه XXIII و برنامه آینده حفاری در سال ۱۳۸۲

دکتر رضا مستوفی فرد

اطلاعات و اخبار گوناگونی که راجع به کاوش‌های غیرقانونی در منطقه گیلان شنیده و اشیایی که در این کاوش‌ها یافت می‌شد بر اکثر مردم پوشیده نبوده است، باستان‌شناسی کشور نیز در این زمینه کوشش‌هایی نموده است. اداره باستان‌شناسی در سال ۱۳۳۹ اجازه حفاری تجاری مناطق مختلف این ناحیه را صادر نموده است.

در سال ۱۳۳۹ دکتر خسرو بهرون، بازرس عالی سازمان شاهنشاهی، یک سلسله عملیات اصلاحی در اداره باستان‌شناسی انجام داد. پروانه‌های حفاری تجاری را لغو نمود و از صدور پروانه جدید و انهدام آثار باستانی نیز جلوگیری نمود.

سال‌های متمادی کاوش‌های غیرقانونی در ارتفاعات گیلان انجام می‌شد و آثار نفیس باستانی که هر کدام سندی ارزنده برای ملت ایران و جهان بود به غارت می‌رفت و یا تخریب می‌گردید. هیئتی با سرپرستی دکتر محسن مقدم، عازم منطقه گیلان شد. وی بررسی و حفاری‌هایی انجام داد که گزارش کارش در کتاب پوپ، جلد چهاردهم منعکس شده است. یادآوری می‌شود شادروان دکتر محسن مقدم تمام اموال خود را وقف دانشگاه تهران نمود که در



آینده نزدیک به نام موزه مقدم افتتاح خواهد شد. این رادمرد میهن دوست و همسر ایشان سهم به سزایی در شناساندن ایران به جهانیان داشته‌اند. اوایل پاییز ۱۳۴۰ کار کاوش در چراغعلی تپه شروع شد. پس از سال‌ها حفاری غیرقانونی در این محل و غارت و از بین بردن آثار گران بها و اسناد تاریخی این مرز و بوم، محسن مقدم در نظر داشت در این منطقه فعالیت کند ولی امکان کار به ایشان داده نشد که در این باره صحبت بیشتری خواهم نمود.

حفاری غیرعلمی به صورت قاچاق در روی چراغعلی تپه سال‌های متمادی ادامه داشت و دارد.

در زمان دکتر علی امینی به عنوان نخست وزیر و محمد درخشش وزیر فرهنگ وقت، حفاری در چراغعلی تپه شروع شد و از کسانی که در این مورد مشوق هیئت حفاری بود و به این امر کمک می کرد دکتر تقی غفوری بود که در تمام موارد پشتیبان هیئت بودند.

کمک حسین علا در مورد برقراری مجدد کاوش‌ها بسیار اهمیت داشت. ابراهیم گلستان مدیر مؤسسه و هیئت فیلمبرداری اقدام به تهیه فیلم از حفاری مارلیک (چراغعلی تپه) نمود. در این میان خانم فروغ فرخزاد در تنظیم و مرتب کردن کتاب مارلیک همت گماشتند.

بورک از مجله لایف کمک شایانی در گرفتن عکس‌های رنگی جالب از اشیاء و اطراف حفاری به عمل آورد، وی در ویتنام کشته شد.

### موقعیت چراغعلی تپه

این تپه طبیعی در پانزده کیلومتری مشرق شهرستان رودبار سر راه تهران به رشت واقع شده است. در نزدیکی این تپه، سفیدرود قرار دارد. در کنار کرانه جنوبی سفیدرود دهکده کوچکی به نام لات در مصب گوهررود واقع شده که به عنوان بندر کوچکی برای دهکده‌های واقع در دره زیبای گوهررود است. گوهررود یکی از شعبه‌های کوچک سفیدرود است و در حدود پانزده کیلومتر از سرچشمه آن تا محلی که وارد سفیدرود می گردد امتداد دارد. این رودخانه از ارتفاعات البرز در منطقه‌ای که کوهستان کاملاً از درخت‌های جنگلی پوشیده شده سرچشمه می گیرد. در دو طرف این رودخانه دره سرسبز و خرم گوهررود قرار گرفته که از نظر زیبایی‌های طبیعی و مناظر



دل‌انگیز یکی از زیباترین دره‌های ایران است. بزرگ‌ترین دهکده واقع در این دره نیز دهکده نصفی است. به علت ارتفاع کم یعنی در حدود پانصد متر از سطح دریا، این دره دارای آب و هوایی مناسب است. غلات و نباتات مناطق معتدل مانند زیتون، برنج، گندم، جو و درختان میوه جنگلی در این دره به عمل می‌آید.

در این دره گوه‌رود مزارع برنج و گندم و زیتون و در قسمت اعظم آن درخت‌های زرین (یک نوع سرو) و انجیر و انار وحشی به وفور دیده می‌شود. درختان میوه مناطق معتدل در باغ‌های این دره کاشته شده و به علت رطوبت و شبنم کافی سطح دره از گل و گیاه‌های وحشی پوشیده شده است. در دو طرف این رودخانه نیزارهایی قرار گرفته و به زیبایی دره افزوده شده و قلّه پربرف و رفیع دلفک که در جهت شرقی آن قرار گرفته یکی از مناظر و چشم‌اندازهای بدیع و زیبای طبیعت را در این نقطه به وجود آورده است.

با توجه به وجود این مزایا یعنی زیبایی طبیعت، اعتدال هوا و حاصلخیزی زمین از دوره‌های باستانی، این دره مورد نظر و علاقه اقوامی بوده است که در این قسمت از ایران مسلط بوده و طبقات ممتاز و حکمرانان آنها شاید در این دره زندگانی می‌نموده‌اند. در دره گوه‌رود تپه‌های بزرگ و کوچک باستانی قرار گرفته است که مهم‌ترین آنها پنج تپه چراغعلی تپه (مارلیک)، زینب بیجار، پیلقلعه و جازم کول هستند. در ضمن تپه دیگری به نام دور بیجار وجود دارد که بقایای تمدن باستانی فراموش شده‌ای را در دل خود مدفون نموده است.

آثار و علائم موجود در این پنج تپه، وابستگی آنها به یکدیگر و روابط نزدیکشان را هنگامی که هنوز آباد و مورد استفاده و سکونت این اقوام باستانی بوده‌اند به خوبی روشن می‌نماید. یکی از آنها به نام چراغعلی تپه که بعدها به نام مارلیک نامیده شد مورد حفاری قرار گرفت.

اشیاء کم‌نظیری از اینجا به دست آمده‌اند که از نظر زیبایی هنری و باستان‌شناسی بی‌نهایت جالب هستند و اطلاعات و مدارک زیادی راجع به یکی از تمدن‌های باستانی، که به مرور ایام از خاطره‌ها محو گردید، در اختیار ما می‌گذارد.

مجموعاً پنجاه و دو آرامگاه مورد بررسی و حفاری قرار گرفت. این آرامگاه‌ها عموماً در سطح تپه احداث گردیده است. ساختمان آرامگاه فقط در قسمت داخلی، منظم با سنگ شکسته و



ملاط گل ساخته شده و پشت دیوارها نامرتب و به خاک و سنگ طبیعی تپه متصل گردیده است. این تپه در چند دوره به عنوان قبرستان مورد استفاده قرار گرفته است. به خصوص اشیاء مربوط به دوره ساسانیان و سکه مربوط به این دوران به دست آمده است.

تپه مارلیک در حدود ۱۴۵ متر طول و ۸۸ متر عرض دارد. این تپه دارای دو قله سنگی طبیعی است که یکی در جنوب و دیگری در جنوب غربی تپه قرار دارد. ارتفاع مرتفع ترین قله در حدود سیزده متر می باشد و ارتفاع قله پست تر تا نهر آب در حدود ۵/۹ متر است.

تپه مارلیک (چراغعلی تپه) تپه ایست سنگی که از سنگ های سولفات آهن تشکیل شده است. وضع طبیعی تپه طوری است که سنگ های طبیعی آن شکاف های زیادی دارند. دکتر نگهبان معتقد است: «در بیشتر این شکاف ها موش و مار به وفور زندگی می کنند.» بر روی این تپه سنگی آرامگاه های مارلیک ساخته شده است. در ابتدای حفاری موضوع پیدا نشدن آثار استخوان در آرامگاه ها باعث نهایت تعجب گردیده بود، ولی همان طور که در متن اشاره شد پس از پیدا شدن آثار استخوان در چند آرامگاه بر روی محل و وضعیت این استخوان ها مطالعه شد و مسلم گردید فقط قطعاتی از استخوان های اسکلت باقی مانده است که یا بر روی تخته سنگ های زرد رنگ قرار داشته که از سرچشمه های گوهررود بدین محل انتقال داده شده است و اهمیت مذهبی داشته، در آنها شکافی وجود ندارد و یا در زوایای مقبره در محل هایی که با گل قرمز فشرده نگاهداری و محافظت گردیده است. این وضعیت تا اندازه ای معلوم می نمود که بیشتر اجساد و اسکلت ها به وسیله موش و مار از بین رفته و یا خورده شده است. به خصوص این وضعیت وقتی روشن و مسلم گردید که موش ها و مارهای مسکون در تپه مزاحمت و ناراحتی زیادی برای هیئت حفاری به وجود می آوردند. این مطالب دال بر این است که در این حفاری اسکلت پیدا نشده یا اینکه اگر پیدا شده قطعاتی از استخوان انسان بوده است و مابقی را موش و مار از بین برده اند که چنین نیست. در صورتی که هیئت حفاری سابقه کار کاوش را نداشته اند، به خصوص اینکه اشیاء گران بهایی پیدا شده و عدم آشنایی به تکنیک کار کاوش و عدم دقت، اسکلت ها را از بین برده است. زمانی که نگارنده مشغول کار در چراغعلی تپه (مارلیک) بود توانست اسکلت کامل را حفظ کند و نحوه به خاک سپاری آن را به نمایش بگذارد. در بررسی و حفاری مارلیک جمعاً پنجاه و دو



آرامگاه مورد حفاری قرار گرفت. شاید بتوان گفت کمتر آرامگاهی به‌طور علمی کار شده و اکثراً فقط به منظور پیدا کردن اشیاء بوده است که این خود کار قاچاقچیان اشیاء باستانی است. آرامگاه‌های خاکبرداری شده از شش نوع مختلف تشکیل می‌گردد. یکی از این آرامگاه‌ها به شکل نامنظم بوده است. معمولاً ابعاد این آرامگاه‌ها ۵/۳۰ متر طول و ۳/۲۰ متر عرض دارند. آثار و اشیاء فراوانی در این مکان موجود بوده است. تصور می‌رود این آرامگاه‌ها به پادشاهان و سرداران بزرگ این قوم تعلق داشته‌اند. در این نوع آرامگاه‌ها انواع و اقسام ظروف مفرغی و سفالین، دگمه‌های تزئینی، انواع سر گرز، پیکان، شمشیر، خنجر، مجسمه‌های سفالین و برنزی و اشیاء دیگری به چشم می‌خورد. آرامگاه XXXIII G در حدود ۵/۳۰ سانتی‌متر طول و ۳ متر عرض دارد. در این آرامگاه اسکلت به‌طرز بسیار بدی پوسیده شده است.

جسد بر روی تخته‌سنگ بزرگی، که طول آن ۲/۷۵ سانتی‌متر، عرض آن ۷/۶ سانتی‌متر و قطر آن ۲۳ سانتی‌متر است، بر روی خنجر و سرنیزه دفن شده است. دگمه‌های تزئینی طلای لباس تشریفاتی و همچنین جام طلا مشاهده می‌شود. جسد به پهلو خوابانده شده و پاها جمع شده است.

اشیاء این آرامگاه از نظر هنری ممتازند و از قبیل جام طلا و ظروف لوله‌دار مفرغی - دارای لوله بلند هستند. لوله ظریفی با میخ پرچ به بدنه آن متصل گردیده است. ملاقه مفرغی که دارای دسته بسیار بلندی است از مفتول چهارگوش تاب داده تشکیل شده است. انتهای دسته به‌صورت قلبی برای آویزان کردن ساخته شده است. مجسمه پلنگ مفرغی، این مجسمه از مفرغ ساخته شده و بدن حیوان مجوف بوده و حیوان در حالت حمله نمایش داده شده است. عضلات شانه حیوان با برجستگی‌هایی نمایش داده شده‌اند. دم حیوان کاملاً مستقیم و آمادگی حیوان را در حالت حمله نشان می‌دهد.